



نایج پژوهی



وژنه نامه شماره ۲

دومین ویژه نامه تاریخ پژوهی، آبان ماه ۱۴۰۲

مدیر مسئول: فاطمه پنبه پز، سردبیر: تهمورث مهربانی، نویسندگان: اکرم نخعی، کتابون شاپوری



دکتر پدram جم

مدیر گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه: سفر به غرب و شمال غرب ایران

در روز سیزدهم تیرماه سال ۱۴۰۲ سفر ده روزه دانشجویان تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد آغاز شد و پس از بازدید از آثار و محوطه های تاریخی و باستانی استان های همدان، کرمانشاه، کردستان، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و زنجان به پایان رسید. گروه هدف، دانشجویان کارشناسی تاریخ ورودی سال ۱۴۰۰ بود و ظرفیت به جامانده به دانشجویان تحصیلات تکمیلی اختصاص یافت. سرپرست گروه علمی خانم دکتر لیلیانجفیان رضوی بود و راقم این سطور، راهنمایی علمی سفر را بر عهده داشت. این سفر به مساعدت معاونت آموزشی دانشگاه فردوسی با تأمین اعتبار از محل آموزه استادان گروه تاریخ (۷۱/۵ درصد)، مشارکت مالی دانشجویان و استادان راهنمای سفر (۱۶ درصد) و مساعدت مالی دانشکده (۱۲/۵ درصد) صورت عمل یافت.

مشاهده آثار تاریخی و پیوند آنها با زمینه جغرافیایی شان سهمی مهم در آموزش تاریخ دارد.

به رغم پیشرفت های فن آورانانه و بهره گیری از ابزارهای آموزشی در کلاس های درسی، حضور در مکان های تاریخی و مشاهده و بررسی از نزدیک نقشی جایگزین نشدنی دارد. به نظر اغلب دانشجویان مشاهده مکان های تاریخی در تثبیت یادگیری درس های گذرانده شده سهم بسزایی دارد. بنا به نظر بعضی حتی پیش از گذراندن واحد درسی، مشاهده مکان های تاریخی مرتبط با همان درس در فهم درست درست اهمیت اساسی دارد.

به تصریح برنامه درسی مصوب دوره کارشناسی، برای دانشجویان هر سال تحصیلی یک سفر در سال در نظر گرفته شده است. با این احتساب دانشجوی کارشناسی باید در طول دوره چهارساله تحصیل خود از سوی گروه آموزشی دست کم به چهار سفر علمی برود. اما این سفر علمی پس از وقفه ای پنج ساله صورت گرفت. به عبارت دیگر، دانشجویان چهار سال تحصیلی متوالی امکان سفر در کل دوره تحصیلی چهارساله خود نیافتند.

به رغم اهمیت سفر علمی برای دانشجویان، یک وجه متمایز وضعیت فعلی، کم شمار شدن

تاریخ، در زمان دانش‌آموختگی، فاقد تجربه‌ی آشنایی با مکان‌های تاریخی و بسیاری از نواحی ایران خواهند بود. از طرف دیگر، با توجه به شیوه‌ی بومی‌گزینی در جذب دانشجو در سال‌های اخیر، دانشجویان کارشناسی کمتر با دانشجویان و اهالی نواحی دیگر ایران آشنا می‌شوند. واضح است که برای حفظ انسجام ملی و هم‌گرایی میان فرهنگ‌ها، تماس‌های نزدیک میان جوانان و بازدید از شهرها و نواحی مختلف تا چه حد اهمیت دارد.

این سفر بدون کوشش‌ها و پیگیری‌های مجدانه همکار محترم، خانم دکتر لیلا نجفیان رضوی ممکن نبود. دانشجویان تحصیلات تکمیلی در برنامه‌ریزی و هماهنگی امور سفر و تدارکات نقشی ستودنی ایفا کردند. سفر تجربه‌ای به‌یادماندنی به یادگار گذاشت. امید است تجربه بعدی بعد وقفه‌ای طولانی نباشد.

سفرها، عمدتاً به دلایل مالی است. چنان‌که راقم این سطور به خاطر دارد در تمام سفرهای دوران دانشجویی در دهه‌ی هفتاد و اوائل دهه‌ی هشتاد خورشیدی، در جریان سفر با گروه‌های دیگر دانشجویی از دیگر دانشگاه‌ها به‌خصوص در محل اقامت در خوابگاه‌های دانشگاه‌های مختلف برخورد می‌کرد. اما در این سفر با هیچ گروه دانشجویی برخورد نشد. در نبود آمار دقیق از شمار سفرهای علمی دانشجویان کشور و با ملاحظه‌ی وضعیت فعلی می‌توان نتیجه گرفت که معضل مالی دامنگیر دیگر دانشگاه‌ها و گروه‌های علمی نیز شده است.

موضوع شایان توجه دیگر اینکه بخش عمده‌ی دانشجویان استان‌های مورد بازدید را پیشتر ندیده و سفر علمی ایرانگردی را در زندگی خود تجربه نکرده بودند. این وضعیت را می‌توان به دانشجویان دیگر دانشگاه‌ها تعمیم داد. در شرایط فقدان سفرهای علمی، بخش بزرگی از دانشجویان ایرانی



داشته باشد. دومین روز سفر به صورت جدی در شهر همدان آغاز شد.



اکرم نخعی

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان (ورودی ۱۴۰۰)

گزارش سفر غرب

چهارشنبه ۱۴ تیرماه ۱۴۰۲: همدان
بازدید از تپه هگمتانه، گنبد علویان، مقبره استر و مردخای، مقبره بوعلی سینا، مقبره باباطاهر و گنج نامه در این روز جای گرفتند.

تپه هگمتانه شامل سایت باستانی هگمتانه، موزه هگمتانه و دو کلیسای حضرت مریم و گریگوری استپان بود. محوطه باستانی هگمتانه با وسعت ۳۵ هکتار با عنوان اکباتان قدیم و اطراف آن، منسوب به محل استقرار پایتخت دولت ماد است. محققین علوم تاریخ و باستان‌شناسی این محوطه را منطبق بر هگمتانه مادی و هخامنشی دانسته‌اند. طرح معماری گسترده و مدون مشتمل بر ساختمان‌هایی با پلان یکسان، معابر و با دیوارهایی حجیم ایجاد و با حصارها و برج و باروهای سترگ احاطه شده است. در این محوطه تاریخی علاوه بر یافته‌های معماری باستانی، مجموعه کلیساهای قدیمی و نیز موزه موقت قرار گرفته‌اند که در جای خود شگفت‌انگیز بودند.



ساعت تقریباً یک بود که با یک کوله و کیف بزرگ که چندان هم سبک نبود؛ توی دانشگاه و به سمت ورودی شرقی می‌دویدم. همه باید رأس یک و نیم در پایانه مسافربری می‌بودیم تا سوار اتوبوس شویم. نیم ساعت دیگر وقت داشتیم و شانس‌ی که آوردم این بود که اتوبوسی که منتظر بودم تا با آن به پایانه برسم؛ همان موقع رسید. به طرز شگفت‌آوری همان ساعت یک و نیم به پایانه رسیدم؛ ولی باید ذکر کنم که تا حدود ساعت سه الی سه و نیم حرکت نکردیم. خب الان می‌توانم بگویم که سفر روز سه شنبه ۱۳ تیرماه ۱۴۰۲، ساعت سه الی سه و نیم بعدازظهر و از پایانه امام رضا (ع) آغاز شد. همه در صندلی‌های خود جای گرفته و نخستین روز سفر علمی ما در مسیر مشهد به همدان گذشت. در طی مسیر از شهرهایی چون نیشابور، سبزوار، دامغان، سمنان، سرخه و ... گذشتیم تا به شهر همدان رسیدیم. ساعت هفت صبح در پایانه همدان صبحانه خوردیم و بلافاصله به سمت خوابگاه دانشگاه بوعلی سینای همدان رفتیم تا وسایل را آنجا بگذاریم.

از آنجایی که در ادامه باید مطالب علمی از بازدیدهایی که رفتیم گفته شود؛ سعی می‌شود که لحن سفرنامه نیز در هنگام ذکر مطالب تفاوت

نزدیکی شهر ملایر واقع شده است و اثری بسیار مهم از دوره مادها محسوب می‌شود. کاوش در این تپه باستانی توسط استروناخ و از سال ۱۳۴۶ آغاز شد. نتیجه حفریات در تپه نوش‌جان، سه دوره اشکانی، هخامنشی و مادی را مشخص کرده است. البته به دلیل تصمیم باستان‌شناس و اهمیت دوره ماد، لایه‌های بالاتر برداشته شده تا به دوره ماد و لایه‌های مربوط به فرهنگ مادی برسند. این سایت باستانی دارای انبارهای ذخیره، تالار ستون‌دار و معبد بود.

پس از بازدید از نوش‌جان تپه به سمت نهاوند حرکت کردیم تا از معبدی که مربوط به لائودیسه (همسر آنتیوخوس سوم) بود؛ بازدید کنیم اما موفق نشدیم. برای صرف نهار و کمی استراحت به سمت سراب گیان که در ۱۸ کیلومتری جنوب غربی نهاوند و ۲ کیلومتری تپه باستانی گیان قرار داشت؛ رفتیم. سراب به معنای سرچشمه است و نباید با مفهوم سراب که توهمی از آب است؛ اشتباه گرفته شود. طبیعتی دلپذیر و آبی خنک داشت که دیدن آن خالی از لطف نبود.

مقصد بعدی کنگاور همدان بود و البته معبدی که معبد نبود. همه احتمالاً کنگاور را با نام معبد آناهیتا به خاطر می‌آورند؛ ولی در یک جمع‌بندی کوتاه از توضیحات آقای دکتر جم باید بگویم که این مکان باستانی در واقع کاخ منسوب به خسرو پرویز است که به معبد آناهیتا معروف شده است.

نزدیک غروب بود که به شهر کرمانشاه رسیدیم و در مدرسه‌ای اتراق کردیم.

بازدید از این مجموعه وسیع تا ظهر به طول انجامید. پس از آن به سمت مقبره استر و مردخای حرکت کردیم؛ اما ساعت بازدید صبح تمام شده بود. فرصت را مغتنم شمرده و به طرف گنبد علویان رفتیم. بعد از صرف نهار در غذاخوری دانشگاه بوعلی، به مقبره استر و مردخای برگشته و با هضم ناملایمات، بالاخره وارد مقبره شدیم. روایات ایشان که گاه علمی هم نبود را بدون امکان نقد، شنیدیم. از مقبره دیدن کردیم و چون زیر نظر میراث فرهنگی نبود، هزینه بازدید را هم تمام و کمال پرداختیم. سپس از مقبره بوعلی سینا و باباطاهر بازدید کردیم.

آخرین مقصد ما گنج‌نامه بود. دره‌ای که کتیبه‌های هخامنشی مربوط به داریوش کبیر و خشایارشا را در خود جای داده بود. آبشار و رودخانه گنج‌نامه کمی تحمل گرمای آن روز را التیام بخشید. پس از یک روز شلوغ و البته پربار و عالی به سمت دانشگاه بوعلی به راه افتادیم. غذایمان را از غذاخوری گرفتیم و زود هنگام به خوابگاه رفتیم تا برای برنامه روز بعد آماده شویم.

پنجشنبه ۱۵ تیرماه ۱۴۰۲: از همدان تا کرمانشاه

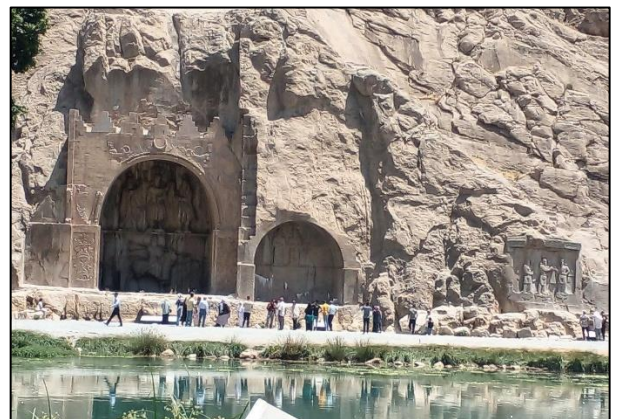
صبح زود، روز سوم سفر آغاز شد. اهداف این روز برای بازدید، اماکن تاریخی میان دو شهر همدان و کرمانشاه بود: نوش‌جان تپه، سراب گیان و معبد آناهیتا که صحیح‌تر آن کاخ خسرو پرویز است.

برای بازدید از نوش‌جان تپه به سمت ملایر حرکت کردیم. نوش‌جان تپه در استان همدان و

جمعه ۱۶ تیرماه ۱۴۰۲: کرمانشاه.

مقصدهای بازدید روز چهارم: بازدید از بیستون، طاق بستان و غار قوری قلعه

روز چهارم سفر را با دیدن عظمت و شکوه بیستون شروع کردیم. این مجموعه معروف در کرمانشاه واقع شده و دارای تعداد زیادی آثار تاریخی مثل مجسمه هرکول، کاروانسرای شاه عباسی، نقش برجسته مهرداد دوم، فرهادتراش، غار شکارچیان، سراب بیستون و... است. پس از دیدن مجسمه هرکول که در هنگام ورود به وضوح قابل مشاهده بود به سمت کتیبه مهرداد دوم رفتیم. نقش مجسمه هرکول در واقع نقش نوعی امنیت و حفاظت از مسیر را داشته است.



کتیبه مهرداد دوم توسط شیخ علی خان زنگنه (صدر اعظم دوره صفوی) تخریب و به جای آن وقفنامه وی حک شده است. از نقش نگاره و کتیبه معروف داریوش نیز در بیستون دیدن کردیم. ولی به سبب داربست‌هایی که زده بودند؛ دید کاملی نداشت و فقط از فاصله دور و پایین، شمای کلی از آن دیده می‌شد. پس از این وقت کم بود و از آنجا که نمی‌خواستیم چیزی را از دست بدهیم؛

دویدیم. دویدیم تا خود را به باقی مانده‌های آثار کاروانسرای برسانیم که چیز زیادی از آن باقی نمانده بود. می‌خواستیم جایی را نرفته باقی نگذاریم و فرصت آمدن به چنین مکان‌هایی را مغتنم بشماریم. چه بسا که حتی یک تکه خشت یا یک دیوار هم اگر مانده بود؛ ارزشمند است و دیدن آن خوشایند...! متأسفانه فرصت بازدید از غار شکارچیان که مربوط به دوره پارینه سنگی بود را از دست دادیم. انگار که احساس حضور در جایی که زیستگاه گونه‌های نخستین بشر بوده را از دست داده باشم!

پس از آن و در اوج گرمای عجیب هوا به سمت طاق بستان حرکت کردیم. طاق بستان مجموعه‌ای از سنگ نگاره‌ها و سنگ نبشته‌های دوره ساسانی است که در شمال غربی شهر کرمانشاه و در غرب ایران واقع شده است. این مجموعه شامل صحنه‌های تاریخی تاج‌گذاری خسرو پرویز، تاج‌گذاری اردشیر دوم، تاج‌گذاری شاهپور دوم و سوم و همچنین چند سنگ‌نوشته (کتیبه) به خط پهلوی است.

پس از صرف نهار، غار قوری قلعه مقصد بعدی بود و در آن گرمای جان فرسا، خنکی آن را هنوز به یاد می‌آوریم. این غار بزرگ‌ترین غار آبی خاورمیانه و با پیشینه ۶۵ میلیون سال است که در استان کرمانشاه قرار دارد. این غار در ۲۵ کیلومتری شهر روانسر، در دامنه کوه شاهو و مشرف بر جاده روانسر - پاوه و در همسایگی روستایی به همین نام (قوری قلعه) جای گرفته است. این اثر طبیعی دارای تالارهایی زیبا به نام‌های تالار مریم، تالار کوهان شتر، تالار بلور و

است، علاوه بر محرابه‌های مربوط به دوره اسلامی، کتیبه‌های از دوران پیش از تاریخ دارد. معنای کتیبه یونانی که بر سر ورودی طبقه سوم این غار است، این چنین است:

«هراکلس در اینجا سکنی گزیده است؛ شر در آن وارد نشود.»

کتیبه‌ای که قدمت این مجموعه را نشان می‌داد و گمانه‌زنی‌هایی درباره کاربرد آن در حین بازدید زده شد. این غار چهارطبقه که با دالان‌هایی تو در تو به هم مرتبط می‌شد، آنقدر شگفت‌انگیز بود که انسان را به فکر فرو می‌برد. غار کرفتو تنها بازدید روز پنجم سفر بود؛ ولی آنقدر اسرارآمیز و دیدنی بود که بازدید آن کل روزمان را به خود اختصاص داد.

یکشنبه ۱۸ تیرماه ۱۴۰۲: آذربایجان غربی

بازدید از گوردخمه فخریکا، تخت سلیمان و زندان سلیمان

نخستین بازدید روز ششم از گوردخمه فخریکا در استان آذربایجان غربی بود که در ۱۰ کیلومتری شهرستان مهاباد و بر روی صخره‌ای از جنس رسوبات آهکی قرار دارد و یکی از جاذبه‌های تاریخی مهاباد محسوب می‌شود. سپس به بازدید تخت سلیمان و بعد از آن زندان سلیمان رفتیم.

تخت سلیمان در ۴۵ کیلومتری شمال شرق شهر تکاب در جنوب شرقی استان آذربایجان غربی قرار دارد. بناهایی که در مجموعه تخت سلیمان هستند؛ در دوره‌های مختلف تاریخی یعنی اشکانی، ساسانی و ایلخانی ساخته شده‌اند که از مهم‌ترین

تالار عروس است. ما تنها توانستیم از تالار مریم بازدید کنیم؛ چون سایر تالارها برای عموم قابل بازدید نبود. علاوه بر مسیری که نیاز به استفاده از تجهیزات غواصی داشت، توضیح داده شد که بازدید سبب تخریب و دخالت در محیط طبیعی آن جا می‌شود. ناگفته نماند که از اواخر دوره ساسانی در کف غار، آثاری کشف شده است.

پس از اتمام بازدید از این غار بی‌نهایت زیبا و خنک به سمت شهر جوانرود راه افتادیم و شب را در این شهر مرزی به صبح رساندیم.

شنبه ۱۷ تیرماه ۱۴۰۲: کردستان

مقصد بازدید این روز، غار کرفتو بود. با حرکت به سمت این غار روز پنجم سفر آغاز شد. در واقع با بازدید از غار کرفتو سفر به میانه خود می‌رسید. راه دسترسی به این غار از طریق سقز، مسیر شهر صاحب به میرسعید و از طریق دیواندره، دو راهی تکاب، گورباغعلی و از طریق تکاب، مسیر روستای «علی‌آباد» امکان‌پذیر است. غار چهارطبقه و شگفت‌انگیز کرفتو و خنکای داخل آن، خستگی مسیر طولانی راه و گرمای طاقت‌فرسا را از جانمان زدود. غاری باستانی و اثری تاریخی در استان کردستان، که در صخره مرتفعی در شرق شهر سقز و شمال غرب شهرستان دیواندره قرار دارد. با وارد شدن به غار با فضاهایی چون اتاق‌ها و راهروهای عبوری مواجه می‌شویم که اتاق‌ها را با هم مرتبط کرده بود. نورگیرهایی با کاربرد پنجره به سمت بیرون تعبیه شده بود که منظره‌های شگفت بیرون را قابل دید می‌کرد.

این غار آهکی که بخش‌هایی از آن دست‌کند

به دوره ساسانیان است و در کیلومتر ۱۵ جاده سلماس به ارومیه در نزدیکی روستای خان تختی واقع شده است. در واقع سلماس یک منطقه حائل بین ایران و امپراتوری روم بوده و همچنین محل درگیری‌ها و نزاع این دو قدرت بزرگ نیز بوده است. این سنگ‌نگاره مربوط به یکی از پیروزی‌های ایرانیان بر رومیان است و در آن اردشیر بابکان و ولیعهدش شاپور یکم تصویر شده است. در این سنگ‌نگاره به نظر می‌رسد که هدیه‌ای یا شیئی به آن‌ها تقدیم می‌گردد. آنچه در این سنگ‌نگاره دیده می‌شود؛ دو نفر سوار و دو نفر پیاده است. در سمت چپ اردشیر بابکان و در سمت راست ولیعهد او شاپور یکم قرار دارد (هر دو دارای تاجی یکسان هستند). خوب است به این نکته اشاره کرد که با وارد شدن به این منطقه ما وارد ارمنستان تاریخی شدیم.

ادامه روز هفتم به بازدید از تپه حسنلو گذشت. این تپه که در ۷ کیلومتری شهر نقده قرار دارد، یکی از تپه‌های باستانی است. قدمت آن به بیش از ۷ هزار سال پیش از میلاد می‌رسد. معروف‌ترین اثر باستانی یافت شده در این محل جام طلای حسنلو است که به عصر آهن تعلق دارد. این مجموعه بر اساس نامگذاری باستان‌شناسان شامل تالار ستون‌دار، حرمسرا، قربانگاه و ... بود.

اما پس از یک بازدید لذت بخش از تپه حسنلو، گذر از کنار تن خشکیده و بی‌آب ارومیه قلبمان را به درد آورد. دریاچه ارومیه یک دریاچه آب شور در شمال غربی کشور ایران است که طبق تقسیمات کشوری ایران، این دریاچه میان

آن‌ها می‌توان به آتشکده و تالارهای دوره ساسانی اشاره کرد. در محوطه تخت سلیمان یک دریاچه طبیعی است که تالو آبی و زیبای آن، جلوه‌ای خاص در میان آثار باستانی و تاریخی دارد. از آنجا که املاح و آهک زیادی دارد، برای آشامیدن مناسب نیست. در واقع یکی از دلایل ساخته شدن تخت سلیمان در این محل، وجود چشمه آن است که هزاران سال قدمت دارد. مجموعه بناهای تاریخی تخت سلیمان دورتادور این دریاچه زیبا ساخته شده که با حصار و دیواری بیضی‌شکل احاطه شده است.

پس از بازدید از تخت سلیمان به زندان سلیمان رفتیم که شکل‌گیری آن برایمان جالب توجه بود. زندان سلیمان هزاران سال پیش بر اثر رسوب کانی‌های آب دریاچه شکل گرفته و گودالی به عمق ۸۰ متر در وسط آن به وجود آورده است. این کوه در زمان مانایی‌ها به عنوان نیایشگاه استفاده می‌شده است. به نظر می‌رسد که استوانه تو خالی این کوه در حدود دو هزار سال پیش مانند دریاچه کنونی تخت سلیمان، پر از آب بوده است. اما با گذر زمان، شکاف‌هایی در رسوبات مخروطی شکل آن ایجاد و آب آن تخلیه شده است. این گودال مهیب طبیعی در میان عامه به نام زندان سلیمان شهر شده است.

دوشنبه ۱۹ تیرماه ۱۴۰۲: آذربایجان غربی

روز هفتم؛ بازدید از سنگ‌نگاره ساسانی در سلماس،

تپه حسنلو و دریاچه ارومیه

شروع بازدید روز هفتم با سنگ‌نگاره ساسانی در سلماس شروع شد. سنگ‌نگاره خان تختی مربوط

چهارشنبه ۲۱ تیرماه ۱۴۰۲: آذربایجان شرقی
 بازدید از حاشیه رود ارس، پل آهنی، صومعه چوپان،
 کاروانسرای خواجه‌نظر (روز نهم)
 آن غم و بغضی که بعد از دیدن ارومیه به جانمان
 نشسته بود؛ با دیدن جوش و خروش ارس فرو
 برده شد. ارس رودی پرآب و خروشان است که
 از منطقه آناتولی (در ترکیه امروزی) سرچشمه و
 پس از پیوستن رود آرپا، مرز مشترک ایران با
 نخجوان، ارمنستان و جمهوری آذربایجان را
 تشکیل می‌دهد. ایستادن در کناره رود ارس و آن
 حس غرور و شعفی که داشتیم؛ غیر قابل توصیف
 است.



در ادامه و با دیدن پل آهنی این حس غرور با
 کمی غم درهم آمیخت. پل آهنی در شهر مرزی
 جلفا و بر روی رودخانه ارس است که مرز
 ارتباطی ریلی ایران و جمهوری آذربایجان
 (جمهوری خودمختار نخجوان) را فراهم می‌کند.
 اما به نظرم می‌آید که توضیحی کوتاه در مورد این
 داستان قهرمانانه بدهم. داستان از آنجا شروع
 می‌شود که در زمان جنگ جهانی دوم و در حین
 هجوم نیروهای روس به مرزهای ایران، سه تن از

دو استان آذربایجان غربی و استان آذربایجان
 شرقی قرار گرفته است. تاریخ دریاچه ارومیه به
 دوران باستان باز می‌گردد. در قرن حاضر به دلیل
 فعالیت‌های انسانی مانند استفاده بیش از حد از
 منابع آب و ساخت سدها و تغییرات آب و هوایی
 با چالش‌های زیست محیطی زیادی مواجه شد. این
 دریاچه شروع به کوچک شدن کرد و باعث
 آسیب زیست محیطی قابل توجهی شد. نام کهن
 این دریاچه چیچست بوده است. دریاچه چیچست
 در اسطوره‌های ایرانی نقشی مهمی دارد.

سه شنبه ۲۰ تیرماه ۱۴۰۲: آذربایجان شرقی
 بازدید از کلیسای سن استپانوس و نقطه صفر مرزی
 (رود ارس)

روز هشتم سفر با طی مسیری طولانی برای دیدن
 کلیسایی بی‌نهایت زیبا و در مکانی با طبیعتی
 دلپذیر شروع شد. کلیسای استپانوس مقدس در
 استان آذربایجان شرقی و در نزدیکی شهر جلفا و
 در فاصله کوتاهی از رودخانه ارس واقع شده است.
 کلیسا در میان کوه‌ها و طبیعت سبز منطقه مرزی
 جلفا و جمهوری آذربایجان قرار گرفته است. در
 توضیحی کلی از این کلیسا باید گفت که نام آن
 برگرفته شده از نام استپانوس است. سنت
 استپانوس یا سنت استفان اولین شهید راه مسیحیت
 است که در سال ۳۶ میلادی در اورشلیم توسط
 یهودیان سنگسار شد. معماری کلیسا بسیار جالب
 توجه بوده و گویا در دوره صفویه مرمت نیز شده
 است. فضای داخل کلیسا مانند فضای بیرونی آن
 خاص است و حضور در آن حس متفاوتی را ایجاد
 می‌کند.

رائی هاشمی و عبدالله شهرداری است که توانستند وارد خاک ایران شوند. مقاومت شجاعانه این سه سرباز تحسین نیروهای مهاجم را برمی‌انگیزد. به طوری که جهت ارج نهادن به این مقاومت‌ها، پیکر این سه مدافع را در محل شهادتشان در کنار خط آهن این پل به خاک سپردند.

مقصد بعدی کلیسای چوپان بود که مربوط به دوره صفوی است و در جلفا، کنار رود ارس، بر سر راه کلیسای سنت استپانوس واقع شده است. در واقع یک صومعه کوچک بود و در مقایسه با کلیسای سنت استپانوس محوطه خیلی کوچکی داشت. صومعه چوپان متعلق به قرن ۱۶ میلادی است. بنا به روایتی دو کلیسا به همت دو برادر چوپان بنا شده است، یکی در این سمت رودخانه ارس و دیگری دقیقاً در جناح روبه رو که متأسفانه در سال‌های اخیر تخریب شده است.

آخرین مقصد ما کاروانسرای خواجه نظر بود که مربوط به دوره صفوی است و در شهرستان جلفا، کنار رودخانه ارس و پل ضیاءالملک واقع شده است. پس از این بازدید، استان آذربایجان شرقی را به سمت استان زنجان ترک کردیم، تا پس از طی مسیری طولانی، در راه برگشت و در فرصت مغتنمی که داریم از سلطانیه هم بازدید کنیم.

پنجشنبه ۲۲ تیرماه ۱۴۰۲: استان زنجان (سلطانیه)
بازدید از معبد داش کسن، گنبد سلطانیه، خانقاه چلبی

اوغلو

روز پایانی سفر بود و با اینکه تمایلی به پایان سفر نداشتم؛ آخرین بازدیدها را نیز انجام دادیم. با اینکه بازدید ساعت ۸ شروع می‌شد؛ ولی به اشتیاق

مرزبانان ایرانی (سید محمد رائی هاشمی، عبدالله شهرداری و مصیب محمدی) مقابل نیروهای مهاجم بر روی این پل مقاومت نموده و از خاک میهنشان دفاع کردند. شهریور ۱۳۲۰، هنگامی که متفقین تصمیم به اشغال ایران را داشتند، این سه مرزبان وظیفه پاسداری از مرزهای شمالی ایران را در پل فلزی جلفا-نخجوان بر عهده داشته‌اند. پس از آن که ارتش روس برای ورود به خاک ایران به این پل-که عملاً تنها و بهترین محل عبور از رود پرخروش ارس در این ناحیه است- نزدیک می‌شوند، مقاومت دو روزه این سه دلاور آغاز می‌گردد. این مرزبانان آذربایجانی با اشراف به پل، دو روز لشکر روس را زمین گیر می‌کنند.



روس‌ها نیز که چاره‌ای جز گذر از همین پل نداشته‌اند؛ نمی‌توانستند با وجود توپخانه سنگینشان به حمله پردازند و در نهایت نیز با شهادت ژاندارم سرجوخه محمدی، سید محمد

بر روی دیواره‌ها و چه سقف نشان از تأثیرپذیری از فرهنگ چادرنشینی داشت که اثر خود را در نوع تزئینات گذاشته بود. مثل نقوش روی بعضی دیواره‌ها و سقف که شبیه فرش‌ها و تزئینات داخل سیاه چادر بود. البته به این معنی نیست که کلا از فرهنگ چادرنشینی نشأت گرفته؛ چراکه تلفیق معماری ایرانی و اسلامی آن برجسته‌تر است. این بنا همچنین دارای تزئینات فیروزه‌ای از نوع کاشی‌کاری و گنبد فیروزه‌ای آن از دور زیبایی خاصی دارد.



در انتها از مجموعه تاریخی «چلبی اوغلو» بازدید به عمل آمد. بنایی از دوران ایلخانان مغول که در شهر سلطانیه قرار دارد و شامل یک آرامگاه و یک خانقا و منسوب به عارف چلبی اوغلو است.

با فاصله‌ای کوتاه از آخرین بازدید سوار اتوبوس شده و به سمت مشهد راه افتادیم. سفر به پایان رسید؛ ولی خاطرات خوش آن همچنان در ذهنمان باقی خواهد ماند.

دیدن آخرین مکان‌هایی که می‌توانیم برویم از ساعت حدود ۶ بیدار بودم. از زمین‌های طلایی گندم‌زار گذشتیم و بعد از مدت کوتاهی به معبد داش‌کسن رسیدیم. معبد داش‌کسن یا معبد اژدها بنایی صخره‌ای است که در حدود ۱۵ کیلومتری جنوب شرقی شهر تاریخی سلطانیه در استان زنجان واقع شده است.

این معبد مربوط به دوره ایلخانان است و دو نقش برجسته اژدها و چند محراب اسلامی در دو سمت آن دارد که به قرینه یکدیگر حجاری شده‌اند. این نقش‌برجسته‌ها تأثیر فرهنگ شرق دور (چین) را در عصر ایلخانان نشان می‌دهد. نقش‌های اژدها بزرگ‌ترین نقوش تزئینی این معبد بودند. همچنین بر روی طاقچه‌های معبد، مقرنس‌کاری‌های ظریفی صورت گرفته است. نقوش اسلیمی با طرح‌های متنوع در تزئینات معبد داش‌کسن دیده می‌شود.

پس از داش‌کسن حالا نوبت به گنبد سلطانیه رسیده بود که معماری منحصر به فرد و تزئینات زیبایی داشت. گنبد سلطانیه، در شهر سلطانیه در استان زنجان قرار دارد و یکی از شاهکارهای معماری ایران در دوره ایلخانی است. این گنبد در حد فاصل سال‌های ۷۰۴ تا ۷۱۲ قمری، به دستور اولجایتو پادشاه مغول، معروف به سلطان محمد خدابنده ساخته شده است. این گنبد از آثار مهم معماری ایرانی و اسلامی به‌شمار می‌رود. گنبد سلطانیه بزرگ‌ترین گنبد ایران است و نخستین نمونه گنبد دو پوسته در جهان به حساب می‌آید. این سازه با رنگ فیروزه‌ای و ارتفاعی بلند از فاصله دور نیز دیده می‌شود. تزئینات داخل بنا چه



کتایون شاپوری

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان (ورودی ۱۴۰۰)

سفرنامه

سه شنبه سیزدهم تیرماه ۱۴۰۲ حدود ساعت سه بعدازظهر تمام تلاش‌ها به ثمر نشست و از جایگاه سه پایانه مسافری مشهد سفرمان را به سمت همدان آغاز کردیم. به منظور صرفه‌جویی در هزینه‌ها، عدم امکان تردد اتوبوس در شهر همدان و بهره‌گیری از وسایل نقلیه‌ای که رانندگان آن‌ها با مسیرهای فرعی و پر پیچ و خم غرب و شمال غرب کشور آشنا بودند، از مشهد ماشینی کرایه نشده بود. در آغاز باید از ناهمواری‌های جغرافیایی مسیر لذت می‌بردیم؛ با گذر از شهرهای نیشابور، سبزوار، شاهرود، سمنان و گرمسار در ظلمت شب از کنار پایتخت گذر کردیم. انگار خورشید قصد طلوع نداشت؛ هرچه بیشتر به سمت غرب پیش می‌رفتیم، روشنایی از ما گریزان و تاریکی به استقبال می‌آمد.

بالاخره صبح روز چهارشنبه چهاردهم تیرماه ساعت هفت صبح به همدان رسیدیم. با آمدن ون‌هایی که از قبل هماهنگ شده بودند برای اسکان به خوابگاه‌های دانشگاه بوعلی رفتیم. اولین برنامه صبح، بازدید از تپه هگمتانه بود که بر خلاف تصور عموم از دوره ماد اثری از آن به دست نیامده و لایه‌هایی از دوره هخامنشی تا اسلامی در آن کشف شده است. هگمتانه به معنی محل گرد آمدن است و باید در نظر داشت که استمرار حضور مردمان از بدو شکل‌گیری هگمتانه تا دوره‌های اخیر نشان از اهمیت سیاسی

و اجتماعی این مکان دارد.

سپس به گودال فرانسوی‌ها سری زدیم که توسط سیاحان اروپایی با اهداف شبه باستان‌شناسی در جستجوی شهر اکباتان حفر شده و با عبور از آن به موزه هگمتانه رسیدیم که آثار متنوعی از جمله تعداد بسیار زیادی سفال، سکه، اشیای قیمتی و زینتی، اسکلت‌هایی که نشان‌دهنده نحوه تدفین در دوره‌های مختلف است و بازسازی کتیبه‌های میخی را شامل می‌شد.

تابوت زوج اشکانی، یک گور باستانی که به شیوهی چمباتمه‌ای، تدفین شده بودند؛ کشف شده از تپه گیان نه‌آوند متعلق به دوره مس و سنگ به همراه ۱۹ قلم ظروف سفالی و اشیاء مفرغی از بخش‌های بسیار جذاب موزه بودند.

پس از آن از موزه سنگ که مشتمل بر پایه ستون‌های دوره هخامنشی بود، بازدید به عمل آوردیم. همچنین قطعات دیگر مربوط به دوره سلوکی، اشکانی، ساسانی و اسلامی نیز به شکل سنگ قبر، ستون و تزئینات معماری در این مجموعه قرار داشت.

سپس به دیدن کلیسای آنجلی که از دو ساختمان تشکیل می‌شد و با اخذ مجوز از ناصرالدین شاه در سال ۱۸۸۵ میلادی در همان مجموعه ساخته شده بود، رفتیم. توضیحات آقای دکتر جم در موزه هگمتانه بسیار ارزشمند بود. به عنوان نمونه ایشان در بین صحبت‌هایشان به این نکته درخور توجه اشاره کردند که سکه‌های رومی کشف شده در مجموعه، احتمالاً در اثر تسخیر تیسفون در اوایل دوران اشکانی توسط سپاه روم و یا بر اثر تجارت و عوامل اقتصادی وارد

این خطه شده‌اند.

سپس عزم بازدید از آرامگاه استر و مردخای داشتیم اما به علت اتمام ساعت بازدید به عصر موکول شد و با این حال وقت را غنیمت شمردیم و به گنبد علویان رفتیم که در همان نزدیکی و در بافت قدیمی و دیدنی شهر بود. در این بازدید خانم دکتر نجفیان توضیحاتی ارائه دادند. ایشان درباره تداوم سپرده شدن منصب النقبایی- یعنی مسئول سرپرستی سادات در این شهر در دوره سلجوقی برایمان سخن گفتند. امری که به نظر می‌رسد در تغییر جایگاه و احترام علویان تاثیر گذارده و سبب شده بود که مقبره مرتفع و زیبای علویان به خاک سپرده در آن تا به امروز حفظ شود.

سپس از مسجد جامع همدان دیدن کردیم که مربوط به دوره قاجار است و به عنوان گذری میان دو سمت بازار استفاده می‌شود. در راه رسیدن به مسجد از میدانی گذر کردیم که احتمالاً در دوره پهلوی دوم ساخته شده و شباهت بسیار عجیبی به میدان حسن آباد تهران داشت. این میدان از ۱۲ گنبد در چهار گوشه آن تشکیل شده بود که احتمالاً نشانه‌ای از ۱۲ معصوم است.

بالاخره نوبت به آرامگاه استر و مردخای رسید که در ابتدای امر ستاره مخدوش داوود در بالای درب ورودی جلب توجه می‌کرد. هم‌زمان با ما تعدادی گردشگر زرتشتی نیز برای بازدید آمده بودند که متأسفانه نه با ایشان برخورد درستی شد و نه با گروه ما! بعد از ورود اجازه عکاسی نداشتیم. متولی مجموعه که پیرمردی کلیمی بود چندان اطلاعات تاریخی نداشت. او همان داستان جشن پوریم و خشایارشا را بیان

کرده و داریوش را فرزند کوروش معرفی کرد. او حتی اطلاع دقیقی از نحوه مالکیت خصوصی بنا نداشت. وی ادعا داشت که پس از بیت المقدس، این بنا به علت حضور دو تن از بزرگان قوم یهود از تقدس بالایی برای بنی اسرائیل برخوردار است. طبق گفته دکتر پدرام جم، استر و مردخای یادآور خدایان بابلی ایشتر و مردوک هستند که احتمالاً نشانی از قدمت آیین‌های باستانی در این ناحیه دارد.

سپس به مقبره پزشک شهیر ایرانی، ابن سینا، که ساخته هوشنگ سیحون است، سری زدیم و بعد نوبت به مقبره باباطاهر، شاعر و عارف قرن پنجم هجری، رسید که مجموعه‌ای بسیار زیبا بود.

اما قشنگ‌ترین بخش سفر همدان برای من، کتیبه‌های داریوش و خشایارشا بر صخره‌ای از الوند در گنج‌نامه بود. جایی که به قولی زمین به آسمان رسیده و طبیعت در کنار تاریخ قرار گرفته است. لذت دیدن این بنا در کنار لختی نشستن در کنار آبشار زیبای آن و هندوانه خوردن بر لب آب، در آن گرمای زیاد، دو چندان شد. لازم به ذکر است گنج‌نامه در دره‌ای سرسبز به نام عباس‌آباد در مسیر جاده باستانی همدان به بابل- یعنی از پایتخت تابستانی هخامنشیان به مرکز بین‌النهرین- قرار گرفته است. بنابراین مکان مناسبی برای بازنمایی عظمت و شکوه شاهان هخامنشی و اجدادشان بوده است.

نکته جالب توجه در خصوص وجه تسمیه گنج‌نامه این است که از آن‌جا که مردمان گذشته توانایی خوانش خط میخی نداشتند، راز گنجی نهان را در این کتیبه‌ها مکتوب می‌دانسته‌اند و در

سده‌های اخیر به جنگ‌نامه نیز شهرت داشته که نشان از تصور عموم مردم از جنگ‌آوری شاهان گذشته دارد.

خستگی شیرین یک روز پربار و بی‌خوابی شب قبل، خیلی زود ما را به خوابگاه کشاند تا برای مقصد بعدی سفرمان که کرمانشاه بود، انرژی لازم را داشته باشیم.

سحرخیزی صبح روز بعد، یعنی پانزدهم تیرماه ۱۴۰۲ سبب شد که پیش از گرم شدن زیاد هوا، در جاده همدان- ملایر، پس از طی جاده‌ای فرعی و پلکانی چوبی به تپه نوش‌جان برسیم. استروناخ که حفار و باستان‌شناس پاسارگاد بوده، در این بنا نیز دست به کاوش زده است. قلعه یا دژ نوش‌جان شامل سه اتاق که احتمالاً انبار بوده‌اند، تالار ستون‌دار که فقط پایه ستون‌ها در آن باقی مانده و احتمالاً جنس ستون از چوب بوده، معبد و آتشکده است. طبق گفته آقای دکتر جم تلفظ صحیح نوش‌جان است و «نوشیجان تپه» که در متون علمی رایج شده تلفظ غلط است. قطر دیواره‌های دژ به شش متر می‌رسید و ارتفاع حصار خشتی دژ به هشت متر، که از ساکنان آن در برابر حملات دشمنان محافظت می‌کرد. همچنین اتاق‌هایی برای سکونت ساکنان دژ وجود داشت. مرکز معبد که محل حکمرانی و برگزاری مراسم بوده در شمال واقع شده و رو به سوی جنوب دارد. این بنای زیبا و دیدنی که صبح روز سوم سفرمان را متفاوت ساخت، مربوط به دوره ماد است اما روی آثار مادی بقایایی از دوران هخامنشی و اشکانی نیز به دست آمده که پس از بررسی و مطالعه، تخریب شده‌اند تا امکان کاوش

در لایه‌های قدیمی‌تر فراهم شود.

در مقصد بعدی یعنی شهر نهاوند متأسفانه امکان بازدید از معبدی که در دوره سلوکی ساخته شده و مکانی که برای تکریم مقام لائودیسه همسر آنتیوخوس بود، فراهم نشد. این معبد در زیر مجموعه‌ای مشهور به «امامزاده دو خواهران» قرار داشت. افراد محلی این اکتشاف را تأیید می‌کردند و می‌گفتند که به علت مشخص شدن انتساب نادرست نسب آنها به عنوان خواهران امام رضا(ع)، مجموعه تعطیل شده است. با این حال مردم بومی ابراز داشتند که پایه ستون‌های معبد در «حمام آقا تراب نهاوند» نگهداری می‌شود. عکس الهه‌های یونانی در کتاب *ایران از آغاز تا اسلام* گیرشمن متعلق به مجسمه‌های همین معبد است که شوربختانه امروزه چیزی از شکل اصیل بنا باقی نمانده‌است. ناگفته نماند که حفاری این بنا در زمان رضاشاه توسط گیرشمن صورت گرفته‌است.

پس از آن به سراب پر آب گیان رفتیم. این مکان از حیث موقعیت طبیعی و تاریخی از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ به‌طوری که به لحاظ تاریخی با توجه به کشفیات جدید باستان‌شناسی سکونتگاه‌های واقع در غرب فلات ایران از جمله تپه گیان بین شش تا ده‌هزار سال قبل از میلاد قدمت دارند و به لحاظ طبیعی در استان همدان به علت وجود چشمه‌هایی مانند سراب گیان و رودخانه‌های پرآبی مثل رود گاماسیاب، مزارع گندم و باغات میوه زیادی به چشم می‌خورد.

از جمله مسائل این سفر که در همان آغاز کار خود را نشان داد، فرعی بودن بسیاری از راه‌ها و

کرده‌اند و آن را قصری برای شیرین و متعلق به خسرو پرویز معرفی می‌کنند. طرح‌هایی جهت بازسازی بنا اجرا شده که به دلیل تصورات غلط، این بازسازی درهم ریخته بوده و به شکل نامنظمی باقی مانده است.

هنگام غروب به شهر کرمانشاه رسیدیم و در مدرسه‌ای اقامت کردیم. شام با همکاری برخی دوستان تن ماهی و سیب زمینی سرخ کرده خوردیم که بسیار دلچسب بود.

برنامه روز چهارم یعنی شانزدهم تیرماه ۱۴۰۲، بازدید از اماکن تاریخی کرمانشاه بود. صبح پس از صرف صبحانه و آمدن ون‌ها، رهسپار بغستان یا جایگاه خدایان شدیم. بیستون شامل بناها و آثار بسیار زیادی است. در ابتدای مسیر این محوطه باستانی، مجسمه هرکول در حالی که بر شیری نشسته، جام شرابی در دست و گریزی بر کنار دارد، قرار داشت. از نقش شیر چیزی نمانده بود اما خود هرکول تقریباً سالم است و بر شاهراه ابریشم و جاده قدیمی همدان کرمانشاه نظارت دارد. بنا به توضیحات آقای دکتر جم، این مجسمه در اواخر دوره سلوکی و مقارن با اوج‌گیری اشکانیان ساخته شده و ممکن است هدف فرمانروای وقت یعنی پانتیاخوس درخواست قدرت از درگاه این قهرمان اسطوره‌ای یونان باشد. در برخی منابع نیز هدف از ساخت این مجسمه را ادای نذر فردی می‌دانند که برای شفای بیماری پانتیاخوس انجام داده بود.

پس از آن از نقش برجسته‌های مهرداد دوم و گودرز دوم از دوره اشکانی دیدن کردیم که بخش اعظم نقش برجسته مهرداد به علت ایجاد کتیبه

عدم امکان تردد اتوبوس در آن‌ها بود که با همفکری و هماهنگی، در نهایت تصمیم بر آن شد که پس از رسیدن به کرمانشاه، وسیله نقلیه سفر از اتوبوس به دو دستگاه ون تغییر پیدا کند. ون، راحتی اتوبوس را نداشت اما در رسیدن به هدفمان که بازدید حداکثری از اماکن تاریخی بود، بهترین راه حل به‌شمار می‌رفت که با همکاری همسفران و هماهنگی‌های فراوان ممکن شد.

در مسیر حرکت به سمت کرمانشاه، نخست به شهر کنگاور رسیدیم. در آنجا از بنای موسوم به معبد آناهیتا دیدن کردیم. عموم مردم این مکان را معبد آرتامیس از دوره سلوکی می‌دانند. این در حالی است که بنا به توضیحات آقای دکتر جم، دستگرد (کاخ) خسرو پرویز و متعلق به اواخر دوره ساسانی است که با حمله هراکلیوس ویران شده و فرار خسرو پرویز از ترس شیوع طاعون آخرین ضربه را بر آن زده است. یکی از عناصر مهم معماری هخامنشی یعنی پلکان دو طرفه در این سازه به کار رفته که به لحاظ اجرا بسیار به پلکان کاخ آپادانای داریوش در تخت جمشید شباهت دارد. در ضلع شرقی بنا، یک گورستان متعلق به دوره اشکانی کشف شده که چهار شیوه تدفین در آن صورت گرفته که از جمله آنان روش خمره‌ای است. بر روی سنگ‌های یافت شده در این بنا نیز نشانه‌هایی کشف شده که به شکل هندسی، حیوانی یا حروف و نشانه‌ها نقر شده است.

افرادی چون ابن خردادبه، ابن حوقل و اصطخری از بنای کنگاور با نام «قصرالصوص» یاد

وقفنامه کاروانسرای شیخ علیخان زنگنه در دوره صفویہ از بین رفته است. سپس به قصد دیدن قدیمی ترین و البته مهم ترین کتیبه هخامنشی از پله ها بالا رفتیم اما به خاطر حضور انبوه داربست های فلزی جهت مرمت اثر، چنین امکانی فراهم نشد.

در سراب بیستون عظمت کوه های ستبر و صخره های سنگی در کنار لطافت و سرسبزی آب ترکیبی چشم نواز را به ارمغان آورده بود. احتمالاً به همین علت داریوش شاه هخامنشی این مکان را محلی برای بازگویی نحوه به قدرت رسیدن خویش مناسب دانسته است. باید اذعان داشت که رمزگشایی این اثر توسط راولینسون کمک شایانی به فهم خط اکدی و بابلی کرده است.

مقصد بعدی طاق بستان زیبا بود. نخستین و قدیمی ترین نقش برجسته این مجموعه، تصویر پیمان بستن شاپور دوم و اردشیر دوم است. آقای دکتر جم همچون کلاس درس برایمان توضیح دادند که شاپور با فرزندش اردشیر پیمان می بندد که پس از خود، برادرش شاپور سوم را به فرمانروایی برگزیند. ایزد مهر ناظر بر این پیمان است که روی گل نیلوفر ایستاده؛ البته ارتباط میان نیلوفر و مهر مشخص نیست.

دومین نقش برجسته، طاق کوچک است که تصویر شاپور دوم و سوم را به نمایش گذاشته و عهد شاپور سوم را نشان می دهد. آنچه در این نقش برجسته ما را متوجه اصل و نسب شاهان ساسانی می کند علاوه بر تصویر تاج آنها، کتیبه هایی است که در قسمت بالای نقش برجسته به معرفی آنان پرداخته است.

سومین نقش برجسته، طاق بزرگ است که با جزئیاتی جذاب و چشمگیر، دوران پادشاهی خسرو پرویز را همچون پرده نمایش به تماشا می گذارد. در پایین نقش اصلی، شهسوار ساسانی یا خسرو پرویز همراه تجهیزات جنگی سوار بر اسب خویش «شبدیز» با سپر و نیزه خودنمایی می کند. در دوره قاجاریه فتحعلی شاه در دیواره سمت چپ بالای نقش شکار گراز، نقش برجسته ای از خود به نمایش گذاشته که هنوز رنگ های سبز و صورتی آن قابل تشخیص است.

پس از صرف ناهاری دیر هنگام در کنار سراب روانسر، به سمت غار قوری قلعه حرکت کرده و وارد استان کردستان شدیم. این غار که از جمله معروف ترین غارهای آبی آسیا به شمار می رود، همزمان با انقراض دایناسورها پدید آمده و آب آشامیدنی روستای قوری قلعه را تهیه می کند. متأسفانه بر اثر بازدید بیش از حد گردشگران و عمل دم و بازدم در طی سالیان گذشته رنگ سنگ ها تیره شده است. این غار بیش از ۳ هزار متر طول دارد اما تنها ۴۵۰ متر آن برای عموم قابل بازدید است. نکته جالب در خصوص این غار دمای همیشگی ۱۱ درجه آن است که در آن روز گرم، بسیار به جانمان نشست. دیر هنگام، خسته ولی مملو از انرژی به جوانرود رفته و در یک مدرسه شبانه روزی ساکن شدیم. جایی که با هماهنگی استاد ارجمندمان آقای دکتر گیلانی فراهم شده بود و پذیرایی گرمشان خستگی را از تنمان زدود.

روز بعد یعنی شنبه هفدهم تیرماه ۱۴۰۲، بعد از صرف صبحانه در سنج و با گذشت از شهر

از پیش نمونه‌های خانه‌های طبقاتی است- توجه نشده است.

پس از بازدید از غار کرفتو، نهار را در یک مرکز پرورش ماهی در روستای مسعود آباد واقع در دو کیلومتری غار خوردیم. تنها غذای این مرکز نیز ماهی کبابی بود که شیوه طبخ جالبی داشت.

تمام هیجانمان از دیدن غار کرفتو با حذف بازدید تپه زیویه از میان رفت. مسیر طولانی که برای دیدن این غار در ناحیه کوهستانی سپری کرده بودیم و نزدیک بودن غروب آفتاب، از جمله مهمترین دلایل از دست رفتن این فرصت بی نظیر بود.

مقصد ما در روز ششم سفر در هجدهم تیرماه ۱۴۰۲، شیز در استان آذربایجان غربی در نزدیکی تکاب بود که با نام‌های تخت سلیمان و آتشکده آذرگشپ نیز شناخته می‌شود. در نزدیکی این بنای بی نظیر نیز دست طبیعت مکانی را پدید آورده بود که به زندان سلیمان شهره بود. مردم هر زمان که اطلاعاتی از مکانی حیرت‌انگیز نداشته‌اند آن را به حضرت سلیمان و کارهای شگفت‌انگیزش نسبت می‌دادند اما در اصل این مکان همان آتشکده باستانی است که مختص شاهان، پهلوانان و نظامیان بوده و باور داشتند هر که پیاده مسیر این آتشکده را طی کند، شاه خواهد شد.

بنای ارگ شهر در دوره پارتیان ساخته شده و در دوره ساسانی توسعه یافته است. ساسانیان آن را گنژک یا گنجک به معنای محل نگهداری گنج‌های شاهی نامیده‌اند. مشهور است که انگشتر معروف سلیمان نبی و صلیب عیسی مسیح که

دیواندره رهسپار غار کرفتو شدیم. فاصله زیاد بود و مدتی طولانی مسیر زیبای منطقه را نظاره می‌کردیم. غار کرفتو از زیباترین بناهای صخره‌ای، ترکیبی از غار طبیعی و دست‌کند است که در چهار طبقه خودنمایی می‌کند. این بنا با توجه به کتیبه‌ای که در طبقه سوم عنوان می‌کند «این مکان خانه هرکول است، شر در آن وارد نشود» به عصر هلنیستی و دوره سلوکیان منتسب می‌شود. یک محراب از دوران اسلامی نیز در طبقه دوم دیده می‌شود که البته جهت آن خلاف قبله است. این حدس که احتمالاً این بنا یک قلعه دفاعی بوده نامحتمل به نظر می‌رسد زیرا تسلطی به منطقه ندارد؛ بنابراین کاربرد آیینی و معبد برای آن در نظر گرفته می‌شود. قسمت‌های دست‌کند غار شامل چاله و حوضچه‌هایی است که برای جمع آوری آبی که از سقف غار چکه می‌کند، ایجاد شده است. همچنین در غار یک اتاق وجود دارد که احتمالاً درب آهنی داشته اما فقط از یک سمت گشوده می‌شده که حدس می‌زنند جان پناه بوده است. این اتاق دارای هفت حفره در دیوار است که یک حفره در مرکز از بقیه بزرگ‌تر است. در میان گفتگوهای اعضای گروه با اساتید این نظر مطرح شد که شاید این نشانه‌ای بر دفن اعضاء یک خانواده به همراه بزرگ‌خاندان در این اتاق است. چهارچوب پنجره‌ها کاملاً واضح و مشخص است، در غار از نرده‌ها و پلکان چوبی نسبتاً سالمی برای ارتباط بین فضاها و سالن‌های اجتماع استفاده شده است. با توجه به اینکه ما تنها بازدید کنندگان از این مکان بی نظیر بودیم، به نظر می‌رسد که آن طور که باید به این اثر- که

خسر و پرویز در جنگ با اورشلیم به غنیمت گرفت، در این مکان قرار داشته است. علاوه بر آن، طبق افسانه‌ها چشمه‌تخت سلیمان که خواهر دوقلوی چشمه‌خاموش کوه زندان سلیمان محسوب می‌شود، به فرمان حضرت سلیمان، برای آسایش ملکه‌ی سبا جاری گشته و به پنجاه دیو تحت اسارت خود دستور داده که به زیر زمین رفته و آب آن را گرم کنند؛ در نتیجه، آب چشمه در تمام طول سال دمای یکسانی دارد.

این محوطه شبیه به یک تخم مرغ است که به دو مثلث مساوی تقسیم شده و دریاچه‌ای بزرگ و چشم‌نواز در قسمت جنوبی آن قرار گرفته است. ما از دروازه جنوب شرقی وارد شدیم. آثار محوطه به دو دوره ساسانی و ایلخانی تعلق دارد. پس از حمله هراکلیوس در زمان خسر و پرویز خسارت زیادی به مجموعه وارد شده است. همچنین به هنگام حمله مغول بعد از تخریب آثار به جای مانده، بعضی از قسمت‌ها توسط شاهان ایلخانی نظیر آباخان مورد مرمت و استفاده قرار گرفت؛ مانند ایوان غربی (ایوان خسرو) و بناهای هشت ضلعی. دریاچه نیز که همچون نگینی در وسط مجموعه می‌درخشد، ۶۰ متر عمق دارد و به علت وجود آهک و سم آرسنیک در آب بسیار سنگین و غیر قابل شرب، برای انسان است. آقای دکتر جم درباره این دریاچه توضیح دادند که انسان تنها توانسته به عمق ۴۰ متری آن دست یابد و مابقی به وسیله ربات شناسایی شده است. رسوبات ته نشین شده از جویبار نشأت گرفته از چشمه کف دریاچه در میان مردم محلی به ازدها معروف شده؛ چرا که در قدیم بر این باور بودند که در

آنجا ازدهایی وجود داشته که حضرت سلیمان آن را تبدیل به سنگ کرده است. مغولان با دیدن این ازدها که در آیین ایشان موجودی مقدس بوده، تحت تأثیر قرار گرفته و دست از تخریب بیشتر این مکان برداشتند و به عمران و آبادانی پرداختند. در این مجموعه، بنای موسوم به تالار چهارستون یا تالار شورا در دوره ایلخانی نیز اکنون به موزه‌ای برای نمایش آثار کشف شده از فرهنگ‌های باستانی پیرامون اختصاص یافته است.

پس از آن نوبت به بنای معروف به زندان سلیمان رسید که در سه کیلومتری غربی تخت سلیمان واقع شده است. طبق توضیحات آقای دکتر جم این بنای طبیعی که طی زمان و بر اثر رسوبات آهکی چشمه‌ای در کف پدید آمده و ترک خورده، پیش از ساخت آتشکده آذرگشسپ از قداست ویژه‌ای برای مردمان برخوردار بوده است. در اطراف دهانه بقایای منازل باقی مانده که احتمالاً برای اقامت و انجام آداب دینی استفاده می‌شده است. در واقع مردم پس از طی مسافتی دشوار به لب آب رسیده، درخواست خود را مطرح کرده و جهت ادای نذر، پیشکشی به آب و زمین به عنوان مظاهر طبیعی که عامل حیات و ممات ما هستند، اهدا می‌کرده‌اند. اما پس از ایجاد شکاف و خشک شدن آب این پدیده طبیعی، دریاچه تخت سلیمان اهمیت پیدا کرد و نذورات به آن تقدیم شد.

وجه تسمیه این مکان نیز به پیچیدن صدای باد در میان سنگ‌های آهکی کوه که بنابر باور مردم محلی صدای دیوان در بند است که به فرمان حضرت سلیمان در اینجا زندانی شدند، باز

می‌گردد.

صبح روز بعد سه‌شنبه بیستم تیرماه ۱۴۰۲، از ارومیه راه افتادیم. در مسیر رسیدن به شهر مرزی جلفا از نقش برجسته ساسانی، خان تختی، دیدن کردیم که دو مرد را سوار بر اسبان راهوار نشان می‌دهد. طبق حدس عده‌ای، این نقش اردشیر بابکان است و حال آنکه عده‌ای دیگر آن را شاپور اول می‌دانند که پس از فتح ارمنستان، حکام محلی را وادار به پرداخت خراج کرده است. در مسیر جاده ارومیه به سلماس و خوی، مزارع فراوان گل آفتابگردان بسیار زیبا و چشم‌نواز بودند.

به جلفا که رسیدیم، ابتدا برای صرف نهار توقف کردیم. غذای محلی از جذابیت‌های خوشمزه هر سفر است که خوشبختانه این مهم در جلفا دست داد و خوراک عشایری لذیذی به نام «قاوورما» در سفره خانه عشایر ارس خوردیم. سپس به سمت ژئوپارک ارس حرکت کردیم. برنامه، بازدید از کلیسای سنت استپانوس بود. جاد مارپیچ و فوق العاده‌ای که در امتداد رود ارس و کوه‌های پر صلابت مرزی کشیده شده بود، ما را به ابتدای مسیر پلکانی بسیار زیبا رساند. یک چشمه از بالادست به سمت دامنه کوه جاری بود که طراوت و سرسبزی منطقه را دو چندان می‌کرد. با یک کوه پیمایی سبک به مقصد رسیدیم و شگفت زده شدیم.

این دیر یا صومعه برای یادبود اولین شهید مسیحیت استپانوس مقدس ساخته شده که توسط مخالفین یهودی آیین مسیح سنگسار و کشته شده است. در بازدید از این محل آقای دکتر جم توضیح دادند که بنا به روایتی قدمت بنا به حدود قرن سه

پس از پایان بازدید که تا عصر به طول انجامید، عازم شهر تکاب شدیم و برای اقامت به یک مدرسه شبانه روزی بسیار تمیز رفتیم. شام را گروهی از بچه‌ها آماده کردند و چای را گروهی دیگر. شامی دلچسب و خوابی شیرین ما را مهیای روز بعدی سفرمان کرد.

صبح روز بعد دوشنبه نوزدهم تیرماه ۱۴۰۲، اولین مقصد گوردخمه فخریکا در نزدیکی شهر میاندوآب بود. این اثر در کنار گور دخمه شیرین و فرهاد در سراب صحنه کرمانشاه و گور دخمه دکان داوود در سرپل ذهاب به گور دخمه‌های مادی شهرت دارد؛ که توضیحات آقای دکتر جم، اشتباه بودن این شهرت را برایمان روشن نمود. هرتسفلد بر اساس این حدس که شاهان هخامنشی نیز در دل کوه دفن شده‌اند قدمت این کار را به زمان فرمانروایی قوم ماد نسبت می‌دهد و نیز اینکه به لحاظ تکنیکی پیشاهخامنشی سنجیده می‌شوند. اما بر اساس تشخیص قدمت سنگ‌ها این آثار به اواخر هخامنشیان یا حتی دوره سلوکی- اشکانی برمی‌گردد که حتی در دوران اسلامی نیز مورد استفاده در اویش و صوفیان بوده که در این مکان به چله نشینی می‌نشستند و باعث شده به فقرگاه یا فقیرگاه معروف شود.

مقصد بعدی ما در این روز تپه حسنلو، باقی مانده از تمدن ماناها بود که در نزدیکی شهر نقده واقع است.

پس از این بازدید، از کنار شوره‌زار ارومیه که روزی روزگاری نه چندان دور دریاچه ارومیه یا چیچست نام داشت، گذر کردیم.

تا شش هجری می‌رسد اما ممکن است این ظاهر باقی مانده نیز مربوط به دوره صفویه باشد. در هر حال مطالعات دقیقی در این حوزه صورت نگرفته است. در ظاهر بنا از نمادهای هنر ارمنی و مسیحی‌گری زیاد استفاده شده است. بنا به کتیبه سر در کلیسا در عهد عباس میرزا نایب السلطنه، زمین‌های اطراف کلیسا تحت عنوان قریه دره شام وقف خلیفه‌گری ارامنه این ناحیه شده و بازسازی و مرمت آن از صدقه سر دولت ایران انجام شده است.

در بازگشت، بازدید از یکی از مرزهایی که تنها در کتاب‌ها خوانده بودیم و توقف کوتاه در نقطه صفر مرزی- یعنی ساحل رود ارس- و دیدن راه آهن جمهوری آذربایجان در آن سوی رود- که در زمان شوروی ساخته شده- جذابیت سفر را صد چندان کرد.

آخرین برنامه این روز پربار بازدید از کلیسای چوپان بود که بنا به روایتی در سمت مقابل و آن سوی ارس نیز مشابهی داشته که متأسفانه تخریب شده است. این دو کلیسا به همت دو برادر چوپان در قرن ۱۳ میلادی بنا گشته و در واقع محلی برای عبادت چوپان‌های این منطقه کوهستانی بوده است. شب را در یک مدرسه شبانه روزی در هادی شهر در نزدیکی جلفا ماندیم. خوردن چای و نیمرو پس از استقرار، عجیب مزه داد!

چهارشنبه بیست و یکم تیر ماه ۱۴۰۲، زود هنگام برای بازدید از مزار شهیدان وطن، یعنی مرزبانان غیور پل آهنی جلفا آماده شدیم. آنها در شهریورماه سال ۱۳۲۰ به هنگام هجوم و اشغال کشور توسط نیروهای متفقین در جنگ جهانی

دوم با وجود دستور عدم مقاومت از طرف دولت مرکزی به مدت ۷۲ یا ۴۸ ساعت تا پای جان به دفاع از میهن ادامه دادند. در کنار آرامگاه ابدی، مجسمه‌های یادمان این سه بزرگوار یعنی سر جوخه «مصیب محمدی»، ژاندارم «عبدالله شهریاری» و ژاندارم «محمد راثی» نیز به چشم می‌خورد.

پس از بازدید از مناطق زیبای مرزی منطقه، صبحانه را صرف کردیم و پیش از خروج از شهر جلفا، از کاروانسرای خواجه‌نظر بازدید کردیم.

بالاخره از یک دور برگردان دور زدیم و به سمت آخرین مقصد این سفر پربار روانه شدیم: شهر سلطانیه در استان زنجان. در میان راه در شهر تبریز ناهار خوردیم و پس از طی مسافتی طولانی که تا به شب به طول انجامید به سلطانیه رسیدیم و در اقامتگاه بوم‌گردی جذاب اولجایتو مستقر شدیم. از انتهای کوچه گنبد فیروزه‌ای رنگ بنای ایلخانی خودنمایی می‌کرد. پس از صرف شام در محیط باز و زیبای این اقامتگاه، به اتاق هایمان بازگشتیم تا صبح برای آخرین بازدیدهای هیجان انگیز سفر پرانرژی باشیم.

پنجشنبه بیست و دوم تیرماه ۱۴۰۲، آماده شدیم و به تنها معبد بودایی ایران یعنی داش کسن یا «معبد ازدها» رفتیم. داش کسن در زبان ترکی به معنای سنگ بریدن است و در نزدیکی روستای ویر شهر تاریخی سلطانیه واقع گردیده است. این بنای صخره‌ای مربوط به دوره ایلخانان است و به علت وجود نقش برجسته ازدها به معبد ازدها شهرت یافته که نشان از تأثیر فرهنگ مغولان بر معماری ایرانی در این دوران دارد.

پژوهشگر معاصر، این بنا بر تاج محل برتری دارد و سومین گنبد مرتفع جهان است.

پس از بازدید از این شاهکار معماری، فرصت را مغتنم شمرده و در زمان باقیمانده پیش از حرکت به سمت مشهد، به خانقاه حسام‌الدین حسن چلبی معروف به چلبی اوغلو رفتیم که در جنوب غربی گنبد سلطانیه واقع شده است.

خسته اما پیرانرژی، آخرین نهار سفر را خوردیم؛ به اقامتگاه بازگشتیم و با رسیدن اتوبوس برای بازگشت به مشهد آماده شدیم. جمعه بیست و سوم تیرماه ۱۴۰۲، قبل از اذان ظهر در مشهد بودیم و به امید آنکه در فردایی نه چندان دور، در سفر علمی دیگری دانسته‌هایمان را عینیت و غنا بخشیم، از یکدیگر جدا شدیم.

پس از بازگشت به محل استقرار و صرف صبحانه، برای بازدید از شاخص‌ترین بنای ایلخانی یعنی گنبد تاریخی سلطانیه آماده شدیم که حکایت آن از این قرار است:

در زمان سلطان محمد خدابنده شهر سلطانیه به اوج شکوفایی رسید و محل شاه‌نشین نام گرفت. مشهور است که سردابه گنبد سلطانیه که در ضلع جنوب غربی ارگ قرار گرفته، با تمام تزئینات بسیار زیبای خود همچون مقرنس، معرق، گچبری، نقاشی و کتیبه‌های متنوع خود، محلی برای دفن سلطان تازه مسلمان شده‌ی مغول بوده است اما در کمال ناباوری در کاوش‌های باستان‌شناسی اثری از قبر سلطان مغفور یافت نشده که احتمال دارد طبق رسوم اجداد خود در جایی نامعلوم و به دور از آبادانی دفن شده باشد. به گفته آرتور پوپ



را برای دانشجویان فراهم کردند. بی گمان که ایشان همچون زنان مدبر و دانایی بودند که در طول تاریخ خوانده بودیم، ایشان را نه واژگان می‌توانند توصیف کنند و نه قلم من.

و سپس نوبت به جناب آقای صهیب محمدی می‌رسد که تمام شنیده‌های ما را از مهربانی و بخشش مردمان کردمان به درک آنان، بدل کردند. حضور ایشان و همسر مهربانشان در هر سفری به ما نوید لذت بخش بودن و پربار بودن آن سفر را می‌دهد. ایشان که از دانشجویان دکتری ایران باستان گروهمان هستند؛ در کنار دو استاد عزیزمان، قبول مسئولیت زحمات ما کرده و ما را در این سفر یاری دادند. برای رساندن مراتب تشکر خود از ایشان فقط می‌توانیم بگوییم «زور سپاس».

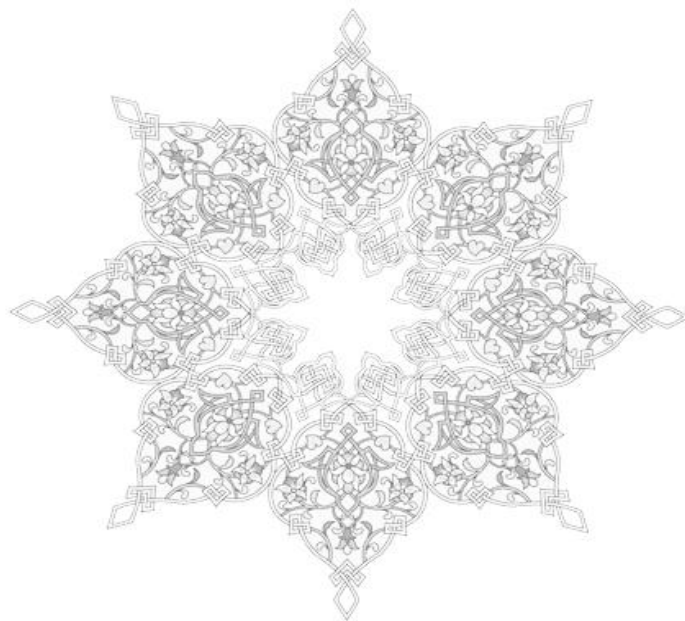
دیگر داستان، پیام تشکر ما نیز شباهت به داستان «سیمرغ» دارد با این تفاوت که این بار «سی مرغ» عطار نیشابوری را الگوی خود قرار داده‌ایم. بی گمان آن سی مرغ با همکاری و یاری یکدیگر توانستند قله قاف را دریابند. در مسیر آماده‌سازی و چاپ این گزارش، مانند سفر مرغان عطار که بسیاری بازماندند و نتوانستند همراه دیگران شوند؛ شماری نیز به مرحله اتمام فرایند نرسیدند اما آنان که ماندند و یاری رساندند، چه زیبا مردمانی هستند. بودن ایشان به مثابه آموختن کار گروهی و یکرنگی و اعتماد بود، همانطور که «سی مرغ» عطار در مسیر پرفراز و نشیب خود، درس‌های گوناگونی آموختند؛ من نیز از ایشان بسیار چیزها آموختم. فاطمه پرستار فیض آبادی، زهرا ناصری حصار و عرفان قسطی چوبدار در شمار این زیبا آدمان داستان «سی مرغ» ما بودند.

سمانه نقابی

روند آماده‌سازی ویژه نامه گزارشی از سفر به غرب به سان هفت خوان رستم از نظر گذشت. اکنون مانند رستم به خوان آخر رسیده و داستانمان همچون او که توسط فردوسی در شاهنامه جاودان گردید، در دومین شماره ویژه نامه تاریخ پژوهی به یادگار خواهد ماند. سزاوار است به زمانی پیش از خوان نخست برگشته و از تمامی یاری کنندگانمان مراتب سپاسگزاری را به جای آورده و حق خود را نسبت به آنان ادا کنیم.

در تمامی طول سفر که گزارش آن به سمع شما خوانندگان رسید، ما نیز مانند رستم که از برکت حضور سیمرغ بهره برده و به راهنمایی او، یکی از تأثیربرانگیزترین پرده‌های نمایش شاهنامه را خلق کرد؛ با دانایان و راهنمایی چون سیمرغ هم‌مسیر شده و به خوان آخر رسیدیم. اکنون بر ما واجب است که از سه شخص نام برده تا کسانی که این متن را از دیده می‌گذرانند؛ بتوانند چون ما با ایشان آشنا شوند. در ابتدا جناب آقای دکتر پدرام جم که مانند «جم» پنهان در نام ایشان که مردم زمین را در ورجمکرد گرد آورده و از نابودی رهایی بخشید، ما دانشجویان تاریخ را با دانش خود از ظلمت ندانستن به سپیدی علم کشاند. ایشان در تمامی طول سفر، هر آن چه از علم خود را که تاکنون با زحمت کسب کرده بودند، در اختیار ما قرار دادند تا ما نیز آموخته‌های خود را با دیگران به اشتراک گذاریم.

دومین شخص، سرکار خانم دکتر لیلا نجفیان رضوی می‌باشد که به مثابه مادری دلسوز در کنار ما بود، ایشان با قبول مسئولیت در طول مدت این سفر با تحمیل زحمات فراوان بر خود، آسایش سفر



نایخ پژوهی

ویژه نامه شماره ۲

دومین ویژه نامه تاریخ پژوهی

آبان ماه ۱۴۰۲

نویسندگان این شماره:

کتابون شاپوری، اکرم نخعی

آدرس ایمیل نشریه: tarikhpajouhi@um.ac.ir

شماره مجوز انتشار: ۹۵۲۲۲۶

نشانی: خراسان رضوی، مشهد، میدان آزادی، پردیس دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی،

دفتر انجمن علمی دانشجویان تاریخ

